

## بقلم آقای سید علی اکبر برقی

### کور خود و بینای دیگران

کسانیکه بخوابشتم نه پرداخته و از ناتماهیها و عیبهای خود  
بیخبرند و بگفتار روشن تر هنوز بر خوابشتم فرمانروا نگشته اند هرگز  
نخواهند سوری پیشرفت آراستگی روان خوابشتم گامی بردارند . از  
اینروی بزرگان گفته اند نخستین گامی که باید هر کس در راه پیشرفت  
مقصود خود بردارد باید سوی اصلاح خوابشتم باشد . و هرگاه خود  
را درست کرد در اداره کردن يك شهر یا کشوری پهناور توانا  
خواهد شد

اگر درست بنگریم بسیاری از مردمان را در زندگانی بریشان  
خواهیم یافت که پس از سالیان دراز نه دخل خود را سنجیده و نه خرج  
خوابشتم را بر روی اساسی نهاده اند و همچنین دیگر کارهای زندگیشان  
از خوردن و خفتن گفتن و شنفتن و جز اینها بی نظم و ترتیب باشد  
و این نیست جز برای اینکه هنوز بر خود فرمانروا نگشته اند  
این است که هر کسی پیش از هر چیز باید بداند که دارای خردی  
هست سیاست مدار و نفسی هست سیاست پذیر و این نفسی که باز  
نموده شد پر از عیب و نیازمند باصلاح است . پس هر کسی باید در  
آغاز کار به پیراستگی پردازد و سپس آراستگی زیرا هر چیز را  
نخست باید از عیب و آلودگی پاک کرد و آنگاه او را هر چه سزاوار  
است آرایش نمود

مردمی که درد دیرا دوا جویند هر گاه درد را شناخته باشند هرگز  
داروی آنرا باز نیابند. بنا بر این کسانی که در کار پیراستگی اند باید  
عیبه‌ها را شناخته تا نوشداروی آنرا باز جویند، و چه اندازه بی بردن  
بعیب‌های خویشتن دشوار باشد زیرا آدمی خود را دوست دارد و  
بادیده دوستی نتوان عیبی را دید چنانکه دانشمندان گفته‌اند دوستدار  
کور و کراست (حب الشیئی یعمی و یصم)

بس هر کسی که بخواهد از عیبهای خود آگاه گردد از دو کار  
ناگزیر است: یکی آنکه در پرتو دانشمندی کار شناس زید که  
تمام کردار و گفتار او را بیند و زشت و زیبای آنرا از یکدیگر جدا  
سازد و دیگر آنکه عیبهای دیگران را ترازی سنجش عیبهای خویشتن  
داند و این روش در تربیت ساده‌ترین درسهاست چنانکه (لقمان را  
گفتند ادب از که آموختی گفت از بی ادبان) و راستی هم چنین است  
زیرا این درسی است که نیازمند بدبستان و آموزگار نیست (۱) بلکه  
در هر جایی و از هر کسی میتوان آموخت

اما بروش نخستین همه نیازمندند بویژه بزرگان و سران مردم  
که آنان را مقامی ارجمند است زیرا برای جاه و مرتبه شان کمتر  
معایب آنان بر زبانها آورد و برعکس مردمان پست عیب‌هاشان بیشتر  
زبانزد و از اینرو زودتر بدان پی برند

بنابراین بزرگان را زبید که جاسوسانی از مردمان کاردان

---

(۱) وای بد بختانه محتاج بچین دیگری است که بس گرانها

بلکه نایاب است و آن دیده انصاف است. زیرا جز با این نظر کسی

نتواند بهیچگونه از زشتی‌های خود آگاه گردد

و خردمند بر خویشتم گمارند تا عیبهای آنان را باز نمایند و در صلاح آن چاره اندیشند

یکی از بیچارگیهای صاحبان جاه این است که بیشتر به هم نشینان چابلوس و طمع کاری دچارند که برای خوشنودی آنان کمتر بدی هایشان را بزبان آرند بلکه در نهان کردن آن کوشش میکنند بلکه زشتی های آنان را بصورت خوبی جلوه دهند - تقریب بر این حق ناشناسان که درهای نیکبختی و فرهی را بروی آنان بسته اند

همه میدانیم که حق تاغ و بند بر گوشها بسی گران و سنگین است و هر گاه بند دهندگان با درشتی و زبری پندی دهند پذیرفتن آن دشوار تر خواهد بود بلکه از آن آزرده شوند و دیگر پیرامون اینگونه مردمان نگرند. پس بر بند ده است که با گفتارهای شیرین و دل پسند از تلخی نصیحت خود بکاهد تا پذیرفتن آن برای دیگران سبک و آسان گردد

### پوشگاه دوم مطالعات فرهنگی

دسته از مردم در نظریات و کردار و رفتار خود بقدری خشک و سختند که با هیچ تیشه و تبری نمیتوان در آنها اندک تغییری داد. و دسته هم بقدری نرم و سستند که مانند آب در هر ظرفی درآیند بشکل او شوند.

در پیش یکی چنان اظهار زهد و تقوی کنند که تو گوئی باک دل تر از او در دنیا نیست و در جای دیگر همین هارا مسخره میکنند و بقایید و افکار آنها لبخند زند. چنانکه خدا در باره اینان فرموده ( هنگامیکه اهل ایمان را به بینند گویند که ما اهل ایمانیم و چون با